

اختلالات جنسی و بررسی آثار آن در حقوق خانواده

دکتر محمدعلی خورسندیان

دکترای حقوق خصوصی و اسلامی، استادیار دانشگاه شیراز

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده

نویسنده‌ای علمی جنسی اهداف خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از این رو رفته اسلام و حقوق ایران همانند سایر نظامهای حقوقی به تدوین مقرراتی برای این موضوع پرداخته است. بعضی از مشکلات جنسی به طرفه مقابل حق می‌دهد تا نکاح را فسخ کند و برخی دیگر حق طلاق را ایجاد می‌نماید. آثار حقوقی فسخ و طلاق و نحوه استفاده از این دو حق با یکدیگر متفاوت است. مبنای حقوقی قواعد مربوط به مشکلات جنسی در حقوق مدنی ایران، آراء و نظریات فقهی است و بررسی تأثیر این مشکلات در روابط حقوقی همسران، از این رهگذر معلوم می‌شود. در این زمینه حقوق کشورهای عربی نیز همانند حقوق ایران به نظریات فقهی توجه کرده است. گرچه در این زمینه طلاق مشروع شمرده شده است اما قانونگذاران کشورهای مسیحی به انحلال نکاح در صورت وجود مشکلات جنسی رضایت داده‌اند.

کلید واژه‌ها: مشکلات جنسی، عیوب، فسخ نکاح، طلاق

مقدمه

خانواده محیطی امن برای آسایش و آرامش زوجین است. در این محیط امن نسل آینده شکل می‌گیرد و پرورش می‌یابد. هر یک از این دو کارکرد مهم نهاد خانواده یعنی ارضای نیازهای روحی و عاطفی زوجین و زاینده‌گی و پرورش نسل آدمی، در گرو وجود روابط زناشویی است. نارسایی جنسی بی شک اهداف ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از استحکام روابط خانوادگی می‌کاهد؛ از این رو نظامهای قانونگذاری و شرایع و ادیان الهی از کنار این موضوع نادیده نگذاشته‌اند و با وضع مقرراتی به تأثیر اختلالات و مشکلات جنسی در روابط زناشویی و زندگی خانوادگی زوجین پرداخته‌اند. اهمیت مشکلات جنسی تا حدی است که قانونگذاران نظامهای مختلف گاه در این موارد به فروپاشی زندگی خانوادگی رضایت داده‌اند.

در زندگی زناشویی، وجود رابطه جنسی یکی از حقوق زوجین است. مطابق حقوق اسلامی، زن می‌بایست نسبت به انجام این رابطه تمکین نماید و در صورت خودداری، ناشزه محسوب می‌شود و از حق نفقه محروم می‌گردد. از سوی دیگر، مرد نیز نمی‌تواند از این رابطه سرباز زند. بیشتر فقها (۱) بر اساس روایتی از امام رضا (ع) (۲) معتقدند مرد می‌بایست لااقل هر چهار ماه یک بار با همسر خود مباشرت نماید و در صورتی که عدم وجود رابطه موجب حرج و دشواری یا به گناه افتادن همسر باشد، می‌بایست در کمتر از این مدت نیز روابط زناشویی را برقرار نماید. علاوه بر روابط جنسی، ترک کردن همسر به دلیل آیه شریفه ۱۲۹ سوره نساء «فلا تمیلوا کل المیل» جایز نیست. مرد می‌بایست به اندازه متعارف در کنار همسر خود حضور داشته باشد.

عدم وجود روابط زناشویی که به طور عمده ناشی از مشکلات و اختلالات جنسی است روابط زن و مرد را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. نگاهی به آمارها اهمیت و دامنه این موضوع را بهتر نشان می‌دهد.

در آماري که توسط شوراي فرهنگي اجتماعي زنان منتشر شده است ۳ درصد از موارد درخواست طلاق مرد، به طور مستقیم از نارسایی‌ها و اختلالات جنسی ناشی شده است. اما موارد دیگری نیز وجود دارد که در آمار ۲۱ درصدی درخواست طلاق به دلیل عدم تفاهم می‌گنجد (۳). در آمار درخواست طلاق توسط زن نیز مواردی وجود دارد که با اختلالات جنسی بی ارتباط نیست. از جمله ۴/۷ درصد از درخواست‌های طلاق به دلیل عقیم بودن مرد، ۲/۸ درصد به دلیل عدم انجام وظایف زناشویی و ۱۲/۲ درصد به دلیل عدم تفاهم اخلاقی گزارش شده است (۴).

تحقیقات نشان داده است که روابط جنسی شکل دهنده بخشی از ادراکات زوجین از یکدیگر بوده و ارتباط مثبتی با رفتارهای تداوم بخش و نگهدارنده ازدواج داشته است. در بررسی ۳۰۰ زوج تهرانی در سال ۱۳۸۱ مشاهده شده است که نمره سازگاری زوجین ارتباط مثبتی با نمره رضایت جنسی آنان داشته است (۵). در مورد تعداد

مبتلایان به مشکلات جنسی نیز آمارهای متعددی ارائه شده است. گفته می‌شود مشکلات جنسی شایع‌ترین بیماری درمان نشده است. برخی از بررسی‌ها ۲۵ درصد نوجوانان را دارای نوعی از این مشکلات معرفی کرده‌اند (۶). آمار ادعا می‌کند، ۵ درصد مردان زیر ۴۰ سال و ۷۰ درصد مردان تا هفتاد سال مشکلات جنسی دارند گفته می‌شود سه میلیون زوج در ایران از این مشکلات رنج می‌برند (۷).

مشکلات جنسی را می‌توان در دو دسته مهم طبقه‌بندی نمود: پاره‌ای از این مشکلات مربوط به ناکارایی یا ضعف در دستگاه جنسی یا سایر اندامهای بدن است مانند ناتوانی جنسی و آمیزشی، بیماری‌های مقاربتی، مسری و صعب‌العلاج که در روابط جنسی تأثیر می‌گذارند. ناتوانی جنسی در مردان می‌تواند ناشی از بیماری دیابت، بیماری عروق و قلب، قطع نخاع، آسیب‌های وارده به لگن، مصرف داروهای آرام‌بخش یا ضد فشار خون، مصرف سیگار و مواد مخدر و اختلالات هورمونی باشد.

دسته دوم مشکلات جنسی ارتباطی مستقیم با ارگانسیم بدن ندارند بلکه ناشی از علل و عوامل روحی و روانی در مرد یا زن است که در نهایت در روابط جنسی زن و مرد هم مؤثرند. اظهار شده است که پانزده درصد مشکلات جنسی ناشی از این عامل است (۷).

در حقوق ایران، تعدادی از بیماری‌ها یا معلولیت‌ها که در دسته اول جای دارند می‌توانند باعث ایجاد حق فسخ نکاح برای طرف مقابل گردد اما بعضی از اختلالات دسته اول مانند نازایی، در کنار بیماری‌های مقاربتی و سایر اختلالات جنسی، حق طلاق را برای زوجین ایجاد می‌نماید. باید توجه داشت چنانچه انحلال نکاح به موجب فسخ صورت گیرد، نیازی به تشریفات طلاق از جمله اجرای صیغه و گرفتن شاهد و سایر شرایط طلاق نیست. از سوی دیگر، پرداخت مهریه نیز در صورت فسخ و طلاق تفاوت‌هایی خواهد داشت. در این نوشتار، نخست به بررسی آن دسته از اختلالات جنسی که حق فسخ ایجاد می‌نمایند می‌پردازیم و سپس به مواردی که موجب حق طلاق می‌شوند اشاره می‌گردد و در آخر، احکام ادیان و مذاهب مختلف و قوانین کشورهای دیگر بررسی خواهد شد.

* اختلالات جنسی که باعث ایجاد حق فسخ می‌گردند

در فقه و قانون ایران، اختلالات جنسی که حق فسخ را برای زوجین به وجود می‌آورند، تحت عنوان عیب قرار می‌گیرند. این عیوب به دودسته عیوب مرد و عیوب زن تقسیم می‌شوند. عیوب مرد عبارت از عنن، جب، خصاء و عیوب زن شامل قرن و افضاء است. به این عیوب، در مواد ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ قانون مدنی اشاره شده است.

۱ - عیوب ویژه مرد

۱ - ۱ - عنن

عنن به فتح عین و نون اول (بر وزن ثمن) ناتوانی جنسی است که در اثر آن آلت تناسلی مرد حالت انتشار و نعوظ (erection) پیدا نمی‌کند. به مردی که دچار این عارضه باشد، عنین و به این حالت عَنه می‌گویند. این عیب حتی اگر بعد از عقد هم حادث شود، باعث

ایجاد حق فسخ برای زن می‌شود (ماده ۱۱۲۵ قانون مدنی). برای تحقق عنن، عدم شهوت یا عدم تمایل به جنس مخالف ملحوظ نیست. همچنین شرط است که این ناتوانی مطلق باشد یعنی مرد نتواند نسبت به هیچ زنی رابطه جنسی برقرار نماید.

مبنای ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی در خصوص عیوب موجب فسخ نکاح، احکام موجود در شریعت اسلامی است. در مورد حکم شرعی عنن، فقها به دو دسته روایت استناد نموده‌اند. در بعضی از روایات مانند صحیح ابی بصیر (۸) و صحیح کنانی (۹) از امام صادق علیه‌السلام و روایت سکونی (۸)، مسئله عنن مطرح شده است و امام علیه‌السلام بدون هیچگونه قیدی، این عارضه را موجب ثبوت حق فسخ برای زن دانسته‌اند. اما در پارهای دیگر از روایات، ثبوت حق فسخ منوط به آن شده است که زن به قاضی مراجعه نموده و قاضی مدت یک سال مهلت تعیین نماید و چنانچه در طی این مدت عارضه بهبود نیافت، زن می‌تواند نکاح خود را فسخ نماید (۱۰).

فسخ منوط به آن است که زوجه به دادگاه مراجعه نموده و قاضی یک سال مهلت برای مداوا و ایجاد رابطه جنسی تعیین نماید (ضرب الأجل عنه) و چنانچه ظرف یک سال این مشکل برطرف نگردد و مرد نتواند با همسر خود رابطه زناشویی برقرار نماید، زن می‌تواند نکاح خود را فسخ نماید. این نظریه در بین فقهای قدیم و جدید مشترک است (۱۱).

قانون مدنی نیز پیش از اصلاحات سال ۱۳۷۰ شرط فسخ به موجب عنن را «رفع نشدن آن بعد از گذشتن مدت یک سال از تاریخ رجوع زن به حاکم دانسته بود» (بند یک ماده ۱۱۲۲؛ اما در اصلاحات ۱۳۷۰/۸/۱۴ شرط فوق حذف شد و به جای آن مقرر شد «عنن به شرط این که ولو یک بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد» موجب حق فسخ برای زن می‌باشد.

در گذشته ممکن بود وجود مهلت یک ساله برای درمان عنن، عده ای از زنان را دچار اشکال نماید به ویژه در مواردی که مطابق آزمایش‌های پزشکی درمان مرد به طور قطعی غیرممکن بود. با این وجود، حذف شرط تصریح شده در روایات، با نظر عده زیادی از فقهای گذشته و معاصر مغایرت دارد. چنان که در بخش آخر خواهید دید چنین شرطی حتی در مذاهب اهل تسنن و ادیان دیگر نیز وجود دارد.

امروزه واقعیت‌های علم پزشکی هم بر محتوای روایات اسلامی و دستور دیگر ادیان در مورد اعطای مهلت درمان به شخص ناتوان تأکید می‌کند. در حال حاضر، بیشتر مشکلات جنسی با روش‌های گوناگون پزشکی قابل درمان است. از جمله این روش‌ها می‌توان به روش‌های درمان‌های هورمونی، مصرف داروهای مخصوص، جراحی عروق، جراحی ترمیمی، استفاده از دستگاه‌ها یا پروتزها، مشاوره‌های روان درمانی و قطع داروهای محل فعالیت طبیعی بدن اشاره کرد. شایان ذکر است انواع روش‌های درمانی بین ۵۰ تا ۹۵ درصد این بیماری‌ها را درمان‌پذیر ساخته است به طوری که فقط نتیجه یکی از روش‌های ساده که پس از طی یک دوره دوساله در مهرماه ۱۳۸۲ گزارش شد بهبودی ۹۰ درصد از بیماران بود (۱۱).

با عنایت به مبانی فقهی و پیشرفت‌های پزشکی مذکور (که در کشور ما به ویژه پس از جنگ حاصل شده است) عدول از حکم اعطای مهلت در اصلاحات قانون مدنی، فاقد مبنای شرعی و مصلحت است و تنها باید در این موارد قائل به حق طلاق در صورت وجود عسر و حرج برای زوجه شد.

نکته آخر آن که مطابق ماده ۱۱۲۵ قانون مدنی، عنن در مرد اگر بعد از عقد هم حادث شده باشد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود. البته در صورتی که مطابق ماده قبل هنوز رابطه نزدیکی میان زن و مرد واقع نشده باشد. در فقه، عده کمی از فقهای پیشین برخلاف نظر اکثریت معتقد بوده‌اند حتی اگر مرد پس از نزدیکی، مبتلا به عنن گردد زن حق فسخ نکاح را خواهد داشت (۱۲).

۱-۲ - خصاء

خصاء به کسر یا اختگی، به معنی آن است که بیضه‌های کسی کشیده یا ناقص شده باشد و به کسی که چنین نقصی را داشته باشد، خصی (بر وزن سخی) می‌گویند. این بیماری نیز موجب حق فسخ برای زن است. در قرن‌های دور برای آنکه بعضی از بردگان خانگی تمایلی به نوامیس مالکان برده‌ها نداشته باشند توسط مالکان خصی می‌شدند.

مبنای فقهی حکم فسخ نکاح، روایاتی است که در این خصوص وارد شده است و در چنین حالتی زن را مستحق فسخ نکاح دانسته‌اند (۱۳). با توجه به آن که متن این روایات موهوم این بوده است که دلیل حق فسخ، تدلیس مرد و پنهان کردن این عیب از زن می‌باشد (۱۴). لذا برخی از محققان، این عیب را به تنهایی یعنی در صورتی که تدلیس از سوی مرد صورت نگرفته باشد موجب حق فسخ برای زن ندانسته‌اند (۱۵). با این وجود، اکثر فقها خصاء را بطور مطلق موجب حق فسخ دانسته‌اند و قانون مدنی نیز از همین نظریه پیروی کرده است.

شایان ذکر است خصاء در تعریف لغوی شامل کشیده شدن، خورد شدن و کوبیده شدن بیضه‌ها است و چون بیضه‌ها در مرد هورمون‌های جنسی را ترشح می‌کنند آسیب شدید به این غدد موجب عدم فعالیت جنسی مرد می‌گردد. از این رو به نظر می‌رسد می‌توان این واژه را به هر نوع عیب و ناکارایی بیضه‌ها تعمیم داد و در چنین مواردی قائل به حق فسخ شد.

۱-۳ - جب

در فقه و قانون مدنی، جب یا مقطوع بودن آلت تناسلی موجب حق فسخ دانسته شده است. این مورد شامل اشخاصی که از هنگام تولد آلت تناسلی نداشته باشند هم می‌گردد. در این زمینه، روایت خاصی نرسیده است. به همین علت بعضی از فقها آن را عیب ندانسته‌اند (۱۶). اما بیشتر فقها با تعمیم روایاتی که در خصوص عنن اشاره گردید، این مورد را نیز مشمول آن روایات می‌دانند زیرا چنین شخصی ناتوان از انجام عمل زناشویی است. اگر این تعمیم پذیرفته شود می‌توان گفت هر نوع عیبی که مرد را ناتوان از عمل زناشویی نماید موجب خیار فسخ برای زوجه است. با دقت در عبارات فقهای که این عیب

شامل وجود هر نوع بافت زاید و غیرمتعارف در ناحیه مهبل و مدخل دستگاه تناسلی خارجی است.

۲-۲ - افضاء

افضاء به معنای فیستول (ارتباط و یکی شدن) غیر طبیعی مجرای ادراری و مهبل، مثانه و مهبل، روده و مهبل است. این عیب نیز از نظر فقه (۲۰) و قانون مدنی (ماده ۱۱۲۳) موجب حق فسخ برای مرد می‌باشد و مستند فقهی این حکم نیز روایاتی از ائمه معصومین است (۱۹).

عیوبی که شرح داده شد تنها بیماری‌ها و عارضه‌های جنسی است که به طرف مقابل حق می‌دهد تا نکاح را فسخ نماید و هیچ عارضه دیگری موجب حق فسخ نیست. با این وجود، چنان که بیان شد اثر نقص‌های جنسی، منحصر در فسخ نیست، بلکه برخی از عارضه‌های جنسی به زن حق طلاق می‌دهد که به آن اشاره خواهد شد.

* شیوه‌های اثبات عیوب

از نظر حقوقی، عنین ممکن است از چند راه اثبات گردد: ۱- اقرار مرد بر ناتوانی جنسی ۲- شهادت کسانی دیگر بر اقرار مرد ۳- سوگند زوجه (در صورتی که مرد از ادای سوگند بر انکار وجود عیب در بدن خویش خودداری نماید). در فقه، این سه راه به عنوان راه‌های اثبات عنین ذکر شده است و راه‌های دیگر همچون رجوع به نظر پزشک یا شهادت مورد توجه قرار نگرفته است (۲۲) دلیل پذیرفته نشدن شهادت شهود آن است که این عیب از عیوب پنهانی است و امکان شهادت بر آن وجود ندارد.

با این وجود در برخی از روایات و کتب فقهی، انواعی از آزمایش‌ها که در گذشته مطرح بوده، ذکر شده است. اما بیشتر فقها، استفاده از این روش را نپذیرفته‌اند (۲۱). قانون مدنی، در خصوص شیوه‌های اثبات این عیب ساکت است. بعضی از نویسندگان (۲۲) با توجه به نظریات فقها، نظر پزشک و هرگونه آزمایش را در این خصوص مردود می‌دانند. با این وجود به نظر می‌رسد اگر علم پزشکی بتواند با آزمایش‌های علمی، ناتوانی جنسی را اثبات نماید می‌توان از بسبب ضرورت، انجام آزمایش را پذیرفت و نظر پزشکان را به عنوان کارشناس این موضوع، در شمار دلایل اثباتی در دادگاه قرار داد. در فقه برای اثبات عیوب دیگری همچون مقطوع بودن آلت تناسلی مرد یا اختگی، علاوه بر سه راه یاد شده در فوق، شهادت شهود نیز پذیرفته شده است (۲۱) و در مورد عیوب پنهانی زنان نیز شهادت زنان مورد پذیرش قرار گرفته است (۱۹). همچنین در قانون آیین دادرسی در امور مدنی، گواهی زنان در مورد عیوب درونی، مورد قبول قرار گرفته است (۲۳).

* آزمایش‌های تشخیص پیش از ازدواج از نظر حقوقی

این سوال مطرح است که آیا می‌توان معاینات پزشکی برای تشخیص عیوب جنسی را به عنوان یکی از آزمایش‌های پیش از ازدواج مطرح نمود؟ فایده این آزمایش‌ها این خواهد بود که بیماری‌ها

را موجب حق فسخ ندانسته‌اند نیز درمی‌یابیم منظور این فقیهان آن است که اگر مردی فاقد آلت تناسلی باشد و تنها واجد حشفه باشد و بتواند نزدیکی انجام دهد به صرف فقدان آلت، موجبی برای فسخ نکاح نیست (۱۶). این گفته با توجه به ملاک عیب بودن جب که همانا ناتوانی از عمل جنسی است صحیح می‌باشد. نویسندگان قانون مدنی نیز به این نکته توجه نموده‌اند و ماده ۱۱۲۲ «مقطوع بودن آلت تناسلی را به اندازه‌ای که قادر به عمل زناشویی نباشد» را موجب حق فسخ دانسته است. مطابق نظر بیشتر فقها (۱۷) و قانون مدنی ایران، خصاء و جب در صورتی موجب حق فسخ است که پیش از عقد وجود داشته باشد. همچنین عیوب، در صورتی مجوز فسخ است که طرف مقابل از آن ناآگاه باشد (ماده ۱۱۲۶ قانون مدنی).

نکته مهم دیگری که در مورد جب باید به آن اشاره کرد آن است که فقها با این که حکم فسخ نکاح را در حالت وجود این عیب از روایات مربوط به عنین استفاده کرده‌اند؛ لیکن وجود مهلت یک‌ساله برای فسخ را به این عیب تعمیم نداده‌اند. دلیل این موضوع آن بوده است که درمان این عیب در گذشته به هیچ روی قابل تصور نبوده است. اما امروزه که با انواع جراحی‌های ترمیمی، بیشتر موارد این نقص قابل درمان است، به نظر می‌رسد می‌بایست در صورت وجود جب مهلت یک‌ساله‌ای برای فسخ قرار داد و طی این مدت زوجه تنها می‌تواند از حق طلاق استفاده نماید. استصحاب لزوم نکاح نیز تأیید کننده این حکم است. همچنین با دریافت علت عدول فقها از تعمیم ضرب‌الاجل به جب، این نظریه در ذهن تقویت می‌شود که بگوییم در صورت ناتوانی جنسی نیز اگر مطابق نظر پزشکان قانونی، عیب قابل درمان نباشد باید ضرب‌الاجل را حذف کرد.

۲ - عیوب ویژه زن

وجود دو عیب جنسی در زن، به دور از شرایط و تشریفات طلاق، به مرد حق فسخ نکاح را می‌دهد. این دو عیب عبارت از قرن و افضاء است. قانون مدنی در ماده ۱۱۲۳ این دو عیب را در زمره عیوب زن برشمرده است.

۱-۲ - قرن

قرن به فتح قاف و راء یا به سکون راء به معنی آن است که در ناحیه مهبل و مدخل دستگاه تناسلی خارجی (محل نزدیکی) بافت زایدی وجود داشته باشد که مانع نزدیکی گردد یا موجب تنفر متعارف مرد از انجام عمل زناشویی گردد. به زنی که دارای این صفت باشد «قرناء» می‌گویند. قانون مدنی تعریف خاصی از قرن ارائه ننموده است، فقها در تعریف قرن اختلاف نظرهایی دارند. تنها آن را بافت استخوانی می‌دانند و عده بیشتری هر نوع بافتی را مشمول این واژه می‌دانند (۱۸). واژه دیگری نیز به نام «عقل» وجود دارد که بسیاری از فقها آن را در زمره قرن می‌دانند (۱۸). تعریفی که برای قرن ارائه گردید با توجه به مستند فقهی این عیب بود. در روایات (۱۹) تنها واژه «قرناء» به کار رفته است و حکم جواز فسخ نکاح، منوط به مانعیت این عیب از نزدیکی نشده است. همچنین معنای این واژه

و ناتوانی‌های آمیزشی پیش از ازدواج تشخیص داده می‌شود و ضمن آن که اطمینان کافی برای زوجین پدید می‌آورد، آنان را از گرفتاری‌ها و مشکلاتی که در صورت بروز این عیوب رخ می‌دهد مصون می‌دارد. در پاسخ باید گفت از نظر حقوقی و فقهی انجام این قبیل آزمایش‌ها غیر قانونی و غیر شرعی است؛ زیرا قانونگذار با علم به آن که ممکن است برخی از زوجین به این قبیل نقص‌ها و بیماری‌ها مبتلا باشند و با این آگاهی که انجام معاینات پیش از ازدواج به سادگی می‌تواند نشانگر غالب عیوب جنسی باشد، انجام معاینات آمیزشی را نپذیرفته و در نهایت در صورت وجود عیب، برای طرف مقابل حق فسخ پیش بینی کرده است. دلیل این مسأله آن بوده است که بدن برهنه هر شخص جزئی از شخصیت او است و زیر عنوان ناموس وی قرار می‌گیرد، از این‌رو هرگونه تعرض به آن موجب تحقیر و توهین به شخصیت معنوی و اخلاقی انسان خواهد بود^۱ به صرف وجود اندک افرادی که به نقص‌های آمیزشی مبتلا باشند نمی‌توان همه کسانی را که قصد ازدواج دارند با انجام آزمایش‌های پزشکی مورد تحقیر و آزار قرار داد.

در حال حاضر، مطابق «قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشک قبل از وقوع ازدواج» مصوب ۱۳۱۷/۹/۱۳، تنها گواهی پزشک در مورد نداشتن بیماری‌های واگیر ضروری شمرده شده است. همچنین تزریق واکسن ضد کزاز برای بانوان (۲۴) و آزمایش تشخیص تالاسمی برای زوجین برای ثبت ازدواج لازم است. اما مقامات رسمی و قضایی نمی‌توانند خودسرانه (آن گونه که در برخی از بهداری‌ها مشاهده می‌شود) زوجین (۲۵) را به انجام آزمایشات دیگری جز آنچه در قانون مقرر شده است ملزم نمایند^۲. البته اگر در زمان خاصی آمار شیوع نقائص آمیزشی افزایش یابد و این مسئله امنیت روابط خانوادگی را به مخاطره افکند، مجلس شورای اسلامی می‌تواند از باب ضرورت و احکام ثانویه در دوره زمان مشخص، آزمایش‌های یاد شده را اجباری اعلام نماید. هم اکنون، با توجه به آمار اندک فسخ نکاح و درخواست طلاق به جهت بیماری‌های جنسی، این ضرورت وجود ندارد، تنها ضرورت موجود در خصوص بیماری ایدز است که با آزمایش خون که انجام آن قانونی است تشخیص داده می‌شود.

* نحوه اجرای حق فسخ

فسخ نکاح، صرفاً با اعلام اراده شخص درخواست کننده صورت می‌گیرد^۳ (۲۷). برای انجام این عمل، ارسال اظهارنامه‌ای مبنی بر وجود عیب و فسخ نکاح، کافی است. البته چنانچه طرف مقابل، منکر وجود عیب شود خواهان، با تقدیم دادخواستی دلایل خود را در مورد داشتن حق فسخ ابراز می‌نماید و دادگاه با رسیدگی به پرونده چنانچه دلایل خواهان را موجه تشخیص دهد حکم به فسخ نکاح می‌نماید. در این صورت، حکم دادگاه جنبه اعلامی دارد و تاریخ فسخ نکاح از زمانی خواهد بود که اظهارنامه ارسال شده است.

اگر طرف مقابل بخواهد صرفاً اعلام، وجود عیب را بپذیرد، روال موجود آن است که برای ثبت فسخ نکاح در شناسنامه و دفاتر ثبت می‌بایست به دادگاه مراجعه کرد و پس از ارائه رای دادگاه به اداره ثبت

است که می‌توان اسناد شناسایی را تغییر داد؛ با این همه، از نظر حقوقی چنین روالی مورد انتقاد به نظر می‌رسد.

در ماده ۳۳ قانون ثبت احوال آمده است: «... فسخ نکاح باید در دفاتر ثبت کل وقایع ثبت شود» اما به ثبت این واقعه در شناسنامه تصریح نشده است. با این وجود، با توجه به آن که بند ۶ ماده یک «ثبت ازدواج و طلاق و نقل تحولات» آن را از وظایف سازمان ثبت احوال دانسته است و با عنایت به ضرورت و ملاک ثبت وقایع در اسناد سجلی، ثبت فسخ نکاح در شناسنامه ضروری است. گرچه قانون ثبت احوال در خصوص آن که آیا برای ثبت فسخ نیازی به حکم دادگاه می‌باشد یا خیر ساکت است، اما به نظر می‌رسد با استناد به ماده ۳۲ همین قانون صرف اقرارنامه رسمی طرفین می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد.

* درمان عیوب پیش از فسخ

اگر دارنده عیب، پیش از آن که طرف مقابل از حق فسخ استفاده نماید عیب خود را درمان کند، دو نظریه مطرح است؛ نخست آن که با وجود عیب، حق فسخ برای طرف مقابل به وجود آمده است و با درمان عیب، این حق از بین نمی‌رود (استصحاب حالت سابق). نظر مقابل آن است که سرچشمه وجود حق فسخ، ضرری است که از این ناحیه به همسر وارد می‌شود و با از بین رفتن منشأ ضرر، اختیار هم از بین می‌رود (۲۸). در عبارات فقها نیز وجود ضرر که با استناد به قاعده لاضرر نفی شده است، پس از روایات به عنوان مبنای حقوقی حق فسخ مطرح شده است (۲۹). با این ملاحظه، نظر اخیر موجه به نظر می‌رسد زیرا با از بین رفتن ضرر، دوام زناشویی امکانپذیر است و مبنای حقوقی برای ثبوت اختیار موجود نیست. همچنین اگر با پیشرفت علم پزشکی برخی از عیوب مصرح در قانون مدنی درمان‌پذیر گردد، باید گفت حق فسخ نکاح برای طرف مقابل وجود نخواهد داشت (۲۸).

* اثر حقوقی فسخ

فسخ نکاح، برخلاف طلاق نیاز به تشریفات خاصی همچون اجرای صیغه، وجود دو شاهد و واقع شدن در زمان پاک‌ی زن ندارد. چنانچه فسخ پیش از نزدیکی صورت گیرد هیچ مهریه‌ای به زن تعلق نمی‌گیرد، در حالی که در طلاق پیش از نزدیکی، مرد باید نیمی از مهریه را پرداخت کند.

تنها در مورد فسخ به موجب عنن است که زن نصف مهریه را

۱ - برای مطالعه حقوق مربوط به شخصیت رک دکتر سید حسین صفایی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، ص ۱۹-۱۶.

۲ - در فقه نیز به این موضوع تصریح شده است.

۳ - البته مرد برای استفاده از این حق خود باید درخواست طلاق را به دادگاه تقدیم کند و دادگاه پس از ارجاع موضوع به داوری، گواهی عدم امکان سازش صادر می‌نماید و در صورتی که مرد مهریه و نفقه و جهیزیه زن را پرداخت کند اجازه اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر اسناد رسمی داده خواهد شد.

دریافت می نماید (ماده ۱۱۰۱ ق.م). اجرای صیغه طلاق به وسیله مرد یا دادگاه صورت می گیرد اما فسخ می تواند توسط زن نیز صورت پذیرد.

* اختلالات جنسی که باعث ایجاد حق طلاق می گردد

چنان که قبلاً نیز ذکر شد به جز عیوبی که در قانون مدنی از آن سخن رفته است هیچ عیب دیگر جنسی و آمیزشی نمی تواند برای طرف مقابل حق فسخ ایجاد کند. بیماری هایی مانند نازایی، بیماری های مقاربتی، ایدز، انزال زودرس، مشکلات روانی و مانند آن با شرایط خاصی می تواند به طرف مقابل حق طلاق بدهد. مطابق قانون مدنی ایران برای مرد حق طلاق منحصر در اسباب خاص نیست و مرد هرگاه بخواهد می تواند همسر خود را طلاق دهد (ماده ۱۱۳۳)، اما چنین حقی برای زن وجود ندارد. مگر آن که به صورت شرط ضمن عقد چنین وضعیتی پیش بینی و مرد به زن وکالت در طلاق داده باشد (ماده ۱۱۱۹ ق.م). مطابق ماده ۱۱۱۲ چنانچه مرد مبتلا به بیماری های مقاربتی باشد، زن تنها می تواند از نزدیکی امتناع نماید. قانون مدنی قبلاً در ماده ۱۱۳۰ مقرر کرده بود چنانچه مرد دارای امراض مسری صعب العلاج باشد که دوام زندگی زناشویی را برای زن مخاطره آمیز نماید دادگاه می تواند مرد را اجبار به طلاق نماید و در صورت امتناع، دادگاه از جانب وی اقدام به طلاق می نمود.

در گذشته، انحصار طلاق در دست مرد، مشکلاتی را برای بانوان پدید آورده بود، از این رو قانونگذار با وضع قانون حمایت خانواده سال ۱۳۴۵ برای نخستین بار به زنان اجازه داد در موارد حبس طولانی، اعتیاد، اختیار همسر دوم، ترک زندگی زناشویی و ارتکاب جرایم، تقاضای گواهی عدم امکان سازش نمایند (ماده ۱۱). در این قانون هیچ گونه پیش بینی برای مشکلات جنسی نشده بود. پس از آن، قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۵۳ تغییر کرد و موارد بیشتری از جمله یکی از مشکلات جنسی به موارد قبل افزوده شد. این قانون در ماده ۸ خود مقرر نمود: «در صورت عقیم بودن یکی از زوجین به تقاضای طرف دیگر همچنین در صورتی که زوجین از جهت عوارض و خصوصیات جسمی نتوانند از یکدیگر صاحب اولاد شوند» طرف مقابل می تواند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نماید.

پس از انقلاب اسلامی، مقررات مربوط به طلاق در قانون حمایت خانواده از نظر شرعی مورد اشکال قرار گرفت و قانونگذار در «لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸» موارد طلاق را منحصر در موارد مذکور در قانون مدنی و احکام شرع دانست (تبصره ۲ ماده ۳ لایحه)، با این حال در قانون اصلاح مقررات سال ۱۳۷۱ اخذ گواهی عدم امکان سازش ضروری شمرده شد.

با نسخ قانون حمایت از خانواده، کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۱ برای حمایت از حقوق بانوان، ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی را تغییر داد و مقرر نمود: «در موارد زیر زن می تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق نماید: در صورتی که برای محکمه ثابت شود که دوام زوجیت موجب عسر و حرج است می تواند برای جلوگیری از ضرر و حرج زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورت

میسر شدن به اذن حاکم شرع طلاق داده می شود». این ماده با اصلاح عباراتی در سال ۱۳۷۰ به تصویب رسید. تا این زمان دادگاهها در مورد مشکلات آمیزشی و جنسی می توانستند به این ماده استناد نموده و با توجه به عسر و حرج زوج حکم به طلاق کنند.

مبنای ماده ۱۱۳۰ اصلاحی یکی از قواعد مورد پذیرش فقهی تحت عنوان «قاعده نفی عسر و حرج» یا «قاعده لاجرح» بود. مطابق این قاعده که از آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین برگرفته شده (۲۶) چنانچه انجام یک حکم شرعی، موجب بروز دشواری و تنگنای شدید برای مکلف گردد، آن حکم از دوش او موقتاً برداشته می شود. بر این اساس، چون در برخی اوقات حکم انحصار طلاق به دست زوج موجب تنگنا و مضیقه شدید زن می گردد، در چنین اوقاتی این انحصار برداشته شده و مرد اجبار به طلاق می گردد.

شایان ذکر است چنین حکمی به صورت مطلق، در خصوص طلاق زوجیه در عبارات فقها وجود نداشت. فقط مرحوم سید محمدکاظم یزدی در یکی از مسائیل کتاب عروه الوثقی برای نخستین بار از این قاعده به عنوان تنها دلیل برای طلاق زوجیه استفاده کرده و مورد انتقاد فقهای بعدی قرار گرفته بود (۳۰).

اصلاح ماده ۱۱۳۰ گرچه بسیاری از مشکلات بانوان را برطرف می نمود اما در عمل، مشکلات فراوانی را به وجود می آورد. زیرا در این ماده اصلاحی، مصادیق عسر و حرج مشخص نشده بود و ممکن بود یک دادگاه مورد خاصی را عسر و حرج بداند و دادگاه دیگر همان مورد را از مصادیق عسر و حرج تشخیص ندهد. از سوی دیگر، اثبات عسر و حرج از سوی زنان دشوار بود. این مشکلات و استنباطهای گوناگون قضات و حقوقدانان از مفهوم عسر و حرج، دادگاهها را دچار تشتت آراء نموده بود و پرونده های طلاق به موجب عسر و حرج، در عمل جزو پرونده هایی بود که رسیدگی به آن مدت طولانی به طول می انجامید. پس از سالها، این اشکالات، تعدادی از نمایندگان مجلس را بر آن داشت تا در سال ۱۳۷۷ با ارائه «طرح الحاق یک تبصره به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی» به تعیین مصادیق عسر و حرج مبادرت نمایند. این طرح، مواردی همچون ترک خانواده، اعتیاد، عدم پرداخت نفقه، سوء رفتار و از آن جمله در بند ۴، «عقیم بودن زوج» را به عنوان مصادیق عسر و حرج، پیشنهاد کرده بود. این طرح گرچه در ابتدا توسط کمیسیون قضایی مجلس رد شد اما سرانجام، کلیات و سپس جزئیات آن با تغییراتی در ۱۳۷۹/۲/۱۸ به تصویب رسید. بند ۴ و بند ۵ این ماده واحده در خصوص موضوع این مقاله حائز اهمیت بود:

«بند ۴: ابتلا به امراض مسری صعب العلاج یا هر عارضه دیگری که دوام زناشویی و سلامت زوج را به خطر اندازد.
بند ۵: عقیم بودن زوج به نحوی که مانع اولاد دار شدن زوج شود»

شورای نگهبان، در بررسی این قانون با توجه به آن که عناوین مذکور در آن به خودی خود موجب عسر و حرج نیست آن را رد کرد. رد این طرح مورد انتقاد برخی از نمایندگان زن و پاره ای از رسانه ها قرار گرفت (۳۱). تا آن که سرانجام مجمع تشخیص مصلحت نظام این قانون را به تصویب رساند.

عیب پیش گفته به زن حق فسخ می دهند و در صورتی که زوجه دارای عیوب باشد به مرد حق فسخ ن داده اند. اما مالکی ها همانند فقهای شیعه، در مورد عیب ویژه زن و مرد، طرف مقابل را مستحق فسخ نکاح می دانند. برخی از اهل سنت، هم چون ابن قیم جوزیه و ابن تیمیه، گفته اند ذکر عیوب خاص در احادیث از باب تمثیل است و عیوب منحصر در عیب های ذکر شده نیست. آنان گفته اند هر عیبی که باعث تنفر از رابطه جنسی کامل شود، به مرد حق فسخ نکاح می دهد. روشن است که پذیرش این نظریه مشکلات زیادی را پدید خواهد آورد. نکته دیگر آن که حنفی ها و مالکی ها جدایی به موجب عیب را طلاق بائن می دانند اما شافعیان و حنبلیان همانند فقهای شیعه این جدایی را فسخ محسوب می نمایند (۳۳). حقوق مصر و لبنان و سوریه، پیرو نظر حنفیان، این جدایی را طلاق دانسته است (۳۲).

۲- احکام ادیان دیگر

در ادیان دیگر نیز احکامی مشابه آن چه در حقوق اسلامی وجود دارد مشاهده می شود. در دین زردشتی، ناتوانی جنسی مرد اگر تا سه سال قابل درمان نباشد موجب حق جدایی است.

در دین یهود، عیوب بعد از ازدواج نیز موجب حق فسخ نکاح است. در این دین، قرن، افضاء، عقیم بودن مرد و زن، بیماری های واگیردار و صعب العلاج و بیماری هایی که باعث مخاطره همسر گردد موجب حق فسخ است، البته تاثیر نازایی زن بر ایجاد حق فسخ مشروط به آن است که پس از ده سال از ازدواج بچه دار نگردد (۳۴).

در دین مسیحی، اصولاً طلاق ممنوع است و تنها در مورد زنا یا زن حق طلاق داده شده است، به همین دلیل در گذشته در کشورهای مسیحی، فقط در مواردی خاص اجازه «تفریق جسمانی» داده می شد، اما پس از انقلاب فرانسه به تدریج در کشورهای مسیحی حق طلاق به رسمیت شناخته شد.

درباره مقررات مربوط به عیوب جنسی در مذاهب مختلف مسیحی، اختلافاتی مشاهده می گردد. در آیین ارتدکس های آشوری، نواقص مردانگی یا گرایش های مردانه در زنان، چنانچه صبر بر آن ممکن نباشد، در نهایت حق طلاق به طرف مقابل می دهد (اصل ۲ ماده ۱۷ شورای نیقیه) (۳۴).

ارتدکس های روسی معتقدند ناتوانی جنسی اگر سه سال از آن بگذرد مجوز حق طلاق برای زن است. پروتستانها به کلیسا اجازه داده اند نخست ۵ سال حکم به جدایی زوجین بدهد و اگر پس از آن ادامه زندگی ناممکن باشد حکم طلاق را صادر نماید. ارامنه گریگوری امراض مقاربتی، عنن غیرقابل معالجه، نقص جسمانی و بیماری های لاعلاج را موجب حق انحلال نکاح دانسته اند (ماده ۴۳ آئین نامه احوال شخصیه ارامنه) (۳۴).

۳- حقوق اروپایی و آمریکا

هم اکنون بیشتر کشورهای اروپایی حق طلاق را به رسمیت شناخته اند. در حقوق این کشورها، در صورت وجود هرگونه عارضه یا عیبی که ادامه زندگی زناشویی برای طرف مقابل دشوار گردد، وی می

هم اکنون، با توجه به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، می توان در مورد آن دسته از مشکلات جنسی و آمیزشی که در زمره عیوب قرار ندارند، به نحو زیر اظهار نظر کرد:

الف) در مورد بیماری هایی مانند ایدز می توان به آسانی با استناد به بند ۴ تبصره ماده ۱۱۳۰ تقاضای طلاق کرد.

ب) نازایی زوج به موجب بند ۵ تبصره به زن حق طلاق می دهد.

ج) سایر عارضه های آمیزشی و جنسی، به شرط آن که یا سلامت زوجه را به خطر اندازد و یا آنکه دوام زندگی زناشویی را به خطر اندازد، به زن حق طلاق می دهد. اما اثبات این موارد و بخصوص مورد دوم، چون بستگی به اجتهاد و نظر قاضی دارد به سادگی دو مورد قبل نیست.

با توجه به آنچه بیان شد تمامی بیماری ها، نقائص و عوارض جنسی که درمان آن دشوار بوده و موجب دشواری و صعوبت زندگی برای بانوان گردد، می تواند مجوزی برای حق طلاق آنان محسوب گردد.

* مشکلات جنسی در مذاهب و حقوق دیگر کشورها

۱- حقوق کشورهای اسلامی و فقه اهل تسنن

در حقوق بعضی از کشورهای عربی همچون مصر، لبنان، سوریه و عراق در مورد عیوب جنسی قواعدی مشابه حقوق ایران وجود دارد. در مصر، احکام مربوط به عیوب تنها در «قانون احوال شخصیه» مصوب ۱۹۲۰ اشاره شده است. در ماده ۹ این قانون به اثر عیب های جنون، جذام و پیسی اشاره شده اما به عیوب تناسلی اشاره نشده است. مطابق قوانین مصر، در صورتی که قانون احوال شخصیه ساکت باشد به قواعد مذهب حنفی مراجعه می شود. مطابق مذهب حنفی، در مورد سه عیب: جب، خصاء و عنن، زوجه حق فسخ نکاح را دارد و در مورد عنن، یکسال به زوج مهلت داده می شود. البته، حق فسخ زوجه در صورتی است که خود او مبتلا به عیوب آمیزشی نباشد (۳۲).

در حقوق لبنان، احکام مربوط به عیوب، تابع قانون «عائله» (خانواده) است که در سال ۱۹۱۷ به تصویب رسیده است. احکام این قانون نیز تابع فقه حنفی است. این قانون در ماده ۱۲۱ مقرر داشته اگر عیب یکی از زوجین غیرقابل درمان باشد دادگاه فوراً رأی به جدایی زوجین می دهد و اگر عیب تا یکسال قابل برطرف شدن باشد مهلت یکساله اعطا می شود (۳۳).

ماده ۱۵۹ قانون احوال شخصیه سوریه نیز قواعد مشابهی دارد. در قانون عراق، علاوه بر احکام یاد شده مقرر گردیده اگر شوهر توانایی بیجه دار شدن نداشته باشد زوجه می تواند تقاضای طلاق کند، به شرط آن که فرزند زنده ای از آنان وجود نداشته باشد (۳۲). احکام مربوط به سقوط مهر در صورت فسخ نیز در قانون سوریه و عراق انعکاس یافته است. شایان ذکر است در مذاهب اهل سنت اختلافاتی در مورد تاثیر عیوب در ازدواج وجود دارد. ابن حزم، پیشوای مذهب ظاهری، معتقد است عیب هیچ گونه تأثیری در ازدواج ندارد اما سایر مذاهب عیوب را موثر در حق فسخ یا طلاق می دانند. حنفیان، فقط در خصوص سه

- ۵- به نظر می‌رسد خصاء را می‌توان به هر عیبی که موجب ناکارایی غدد جنسی می‌گردد تعمیم داد و در چنین وضعیتی به زوجه حق فسخ داد.
- ۶- واقعیت‌های پزشکی امروز مبنی بر درمان‌پذیری بیشتر عیوب، توجیهات حذف مهلت یک‌ساله را از قانون مدنی، بی‌اعتبار می‌سازد.
- ۷- چنانچه به نظر پزشک قانونی عیب قابل درمان نباشد، می‌توان مهلت یک‌ساله را حذف کرد.
- ۸- با توجه به دلیل حق فسخ در عیب جب و درمان‌پذیری این عیب در علم پزشکی امروز و همچنین با عنایت به استصحاب بقای نکاح، در مورد این عیب نیز می‌بایست مهلت یک‌ساله برای حق فسخ قرار داد.
- ۹- آزمایش‌های پزشکی از باب ضرورت برای اثبات عیوب در دادگاه می‌تواند مورد استفاده قسرا گیرد، اما الزام زوجین به انجام معاینات و آزمایش‌های پیش از ازدواج فاقد مبنای قانونی است.
- ۱۰- اگر عیوب جنسی پیش از اجرای حق فسخ درمان گردند، حق فسخ از بین می‌رود.
- ۱۱- نارسایی‌ها و بیماری‌های جنسی که در زمره عیوب قرار ندارند اگر موجب عسر و حرج طرف مقابل گردند، به وی حق طلاق می‌دهند.
- ۱۲- بیماری‌های ایدز و سایر بیماری‌های مسری صعب‌العلاج، نازایی شوهر و هر عارضه جنسی که دوام زناشویی و سلامت زوجه را به خطر اندازد به زن حق طلاق می‌دهد.
- ۱۳- احکام فقه اهل تسنن و قانونگذاری کشورهای عربی در مورد مشکلات جنسی تا حدود زیادی با قوانین ایران مشابه است.
- ۱۴- در ادیان دیگر نیز قواعدی برای مشکلات جنسی وجود دارد. در دین زرتشتی، ناتوانی جنسی مرد به زن حق فسخ می‌دهد. احکام دین یهود نیز در این خصوص شباهت زیادی به احکام اسلامی دارد. در مذاهب مختلف مسیحی نیز احکامی برای بیماری‌های جنسی وجود دارد که به طرف مقابل حق تفریق جسمانی و در نهایت حق طلاق می‌دهد.
- ۱۵- در قوانین آمریکا، فرانسه، انگلستان، اسکاتلند، بیماری‌های جنسی و مقاربتی، در صورتی که ادامه زندگی مشترک ممکن نباشد به طرف مقابل حق طلاق می‌دهد.

مراجع

- ۱- سیدمحمدکاظم یزدی، عروه الوثقی همراه با حواشی مراجع تقلید، کتاب النکاح مسأله ۷، ۸۱۰/۲، سید ابوالقاسم خوبی، مبنای عروه الوثقی، ۱۴۲/۱.
- ۲- حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، باب ۷۱، حدیث یک و دو.
- ۳- دکتر جمشید جعفریور، طلاق به درخواست شوهر، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵.
- ۴- مریم احمدیه، طلاق به درخواست زن، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۰، ص ۱۲۹.

- تواند تقاضای طلاق نماید.
- در حقوق آمریکا قانون فدرالی برای طلاق وجود ندارد و هر یک از ایالات قوانین ویژه‌ای دارند، برخی از ایالات «علل عینی» مانند ناتوانی‌های جنسی و بیماری‌های آمیزشی را موجب حق طلاق می‌دانند. اما سایر ایالات «هرعلت که باعث از هم گسیختگی ازدواج گردد» را موجب طلاق می‌دانند.
- در حقوق انگلستان مطابق قانون سال ۱۹۷۵ قطع زندگی مشترک و متارکه تا ۶ سال امکان‌پذیر است. و باعث ایجاد حق طلاق می‌شود. همچنین، طلاق با رضایت متقابل زوجین جایز است (۳۵).
- در حقوق انگلیس، طلاق با توافق طرفین یا به حکم دادگاه امکان‌پذیر است. حکم دادگاه زمانی است که ادامه زندگی زناشویی ممکن نباشد. مطابق قانون ازدواج ۱۹۷۳ (Matrimonial Act) اگر یکی از زوجین در زمان عقد مبتلا به بیماری مقاربتی باشد، عقد قابل ابطال است. اما چون بیماری مقاربتی در این قانون تعریف نشده است در خصوص بیماری‌های ایدز اختلاف نظر وجود دارد. تمایل عمومی حقوقدانان را کردن شخص از این ازدواج است، اما دادگاه‌های انگلستان به سختی به پذیرش این موضوع تن می‌دهند.
- در حقوق انگلستان، شرط مهم برای ثبات ازدواج «توانایی آمیزش» است و قدرت باروری مرد مهم نیست. مطابق قانون سال ۱۹۳۷، اگر هنگام ازدواج، مرد توانایی آمیزش کامل نداشته باشد ازدواج قابل ابطال می‌گردد (۳۶).
- در حقوق اسکاتلند نیز قواعد فوق جریان دارد. در این کشور، اگر مرد در زمان ازدواج ناتوانی جنسی داشته باشد، چنانچه این ناتوانی «دائمی و غیرقابل درمان» باشد ازدواج ابطال می‌گردد. برای عدم ابطال، آمیزش ناقص (Partial intercourse) کافی نیست و در سایر موارد باید متوسل به طلاق شد (۳۷).
- در حقوق ایتالیا، برابر قانون سال ۱۹۷۴ که به رغم مخالفت شدید کاتولیک‌ها سرانجام با مراجعه به آراء عمومی به تصویب رسید، طلاق در مواردی از جمله استمرار تفریق جسمانی به مدت ۵ سال مجاز شمرده شده است (۳۹)، بنابراین، در صورت وجود عیب می‌بایست ابتدا زوجین ۵ سال جدای از یکدیگر زندگی نمایند تا بتوانند به حق طلاق دست یابند.

نتیجه‌گیری

- ۱- اختلافات جنسی در یکی از زوجین گاه موجب حق فسخ برای طرف مقابل می‌گردد و گاه حق طلاق ایجاد می‌نماید.
- ۲- از نظر حقوق مدنی ایران، عیوب ویژه مرد و زن باعث ایجاد حق فسخ می‌گردند. عیوب جنسی مرد عبارت از ناتوانی جسمی، خصاء، فقدان آلت تناسلی و عیوب جنسی زن قرن و افضاء می‌باشد.
- ۳- مبنای حقوقی حق فسخ در عیوب جنسی، روایات وارد شده از ائمه اطهار و قاعده لاضرر است.
- ۴- با توجه به مبنای حقوقی، حذف ضرب‌الأجل یک‌ساله برای درمان عنن از قانون مدنی، موجه نمی‌باشد.

- ۵- دکتر خدابخش احمدی، نقش روابط جنسی در سازگاری زوجین، مرکز مطالعات علوم رفتاری دانشگاه علوم پزشکی بقیة اله، خلاصه مقالات اولین همایش سراسری خانواده و مشکلات جنسی، ص ۵ مهر ۱۳۸۲.
- ۶- معصومه حیدری، خدیجه محمدی، فعالیت جنسی در نوجوانان، دانشگاه شاهد، همان ص ۴۹.
- ۷- غلامرضا رفیعی، لزوم پیگیری سلامت جنسی در مردان، همان، ص ۶۵؛ اطلاعات ارائه شده توسط گروه مهندسی پزشکی همراه در همایش خانواده و مشکلات جنسی.
- ۸- شیخ محمد کلینی، کافی ۴۱۱/۵ و ۴۱۲/۵.
- ۹- شیخ طوسی، تهذیب ۲۳۴/۲.
- ۱۰- روایت صحیح محمد بن مسلم از امام باقر (ع) العینین یتریص به سنه ثم إن شانت إمراته تزوجت و إن شانت أقامت، شیخ طوسی، تهذیب ۲۳۴/۲، استبصار ۲۴۹/۳، حر عاملی، وسائل ۶۱۱/۱۴، روایت حسین بن علوان از امام باقر (ع)، روایت ابی بصیر از امام صادق (ع) وسائل ۶۱۰/۱۴.
- ۱۱- دکتر فریدون خیام فر، دکتر سید کاظم فروتن، دکتر محمد رضا صفری نژاد، تحقیق ارائه شده در همایش خانواده و مشکلات جنسی، مجموعه خلاصه مقالات، ص ۵۷.
- ۱۲- نظر ابن زهره و شیخ مفید نجفی، جواهر الکلام ۳۲۶/۳۰.
- ۱۳- مؤتفه سماعه و عبدالله بن بکیر، کافی ۴۱۱/۵، تهذیب ۲۳۴/۲.
- ۱۴- حر عاملی، وسائل الشیعه ج ۱۴، ص ۶۱۰-۶۰۸، حدیث یک تا هفت.
- ۱۵- نظر شیخ طوسی در مبسوط و علامه حلی در مختلف و محقق خوانساری، ر. ک: سید احمد خوانساری، جامع المدارک ۳۶۲/۴، شیخ طوسی، مبسوط ۳۶۲/۴ و خلاف ۱۸۶/۲، علامه حلی، مختلف الشیعه، ۲۰۰/۷.
- ۱۶- محقق حلی، شرایع الاسلام، چاپ سنگی، ص ۱۹۰، سید احمد خوانساری، جامع المدارک ۳۶۷/۴.
- ۱۷- جواهر ۳۲۸/۳۰.
- ۱۸- امام خمینی، تحریر الوسیله ۲۶۲/۲، نجفی، جواهر الکلام ۳۳۲/۳۰، محقق حلی، شرایع الاسلام ص ۱۹۰.
- ۱۹- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۲ به بعد.
- ۲۰- نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۰ ص ۳۳۵.
- ۲۱- نجفی، جواهر الکلام، ۳۵۲/۳۰، شیخ یوسف بحرانی، حدائق ۲۴/۲۸۳، شهید ثانی، روضه البیّه ۳۹۳/۵.
- ۲۲- محقق داماد مصطفی، حقوق خانواده، ص ۳۴۸.
- ۲۳- بندج ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹.
- ۲۴- بحرانی شیخ یوسف، الحدائق الناظره، مؤسسه نشر اسلامی، قم ۱۳۷۶.
- ۲۵- بدران بدران ابوالعینین، الفقه المقارن للأحوال الشخصیه، ج ۱، دارالنهضة، بیروت، بی تا.
- ۲۶- آیات ۷۸-سوره حج، ۱۸۵-سوره بقره، ۶۱-سوره نور، ۱۲۵-سوره انعام. برای مطالعه در مورد روایات و دلایل فقهی این قاعده ر. ک. ناصر مکارم شیرازی قواعد فقهیه ۱/۱۶۱، مصطفی محقق داماد، قواعد فقه، بخش مدنی ۲ ص ۸۸-۶۰ (این بخش به قلم نگارنده است).
- ۲۷- جواهر ۳۴۰/۳۰، شهید ثانی، مسالك ۱۲۷/۸، خوانساری، همان ۳۷۴/۴ نظر مخالف: ابن جنید (به نقل از شهید ثانی، همان جا) و شیخ طوسی، المبسوط، ۲۶۳/۴.
- ۲۸- دکتر ناصر کاتوزیان، حقوق خانواده، نشر بهمن، تهران ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۶۵، صفایی، همان، ص ۲۴۵.
- ۲۹- شهید ثانی، روضه، ۳۸۳/۵ البته این اشکال در جای خود وجود دارد که قاعده لاضرر همواره نافی حکم است و نمی تواند اثبات کننده حکم (حق فسخ) باشد.
- ۳۰- سید محمد کاظم یزدی، تکمله العروه الوثقی، ج ۱، مسأله ۳۳ از مسائل عده، ص ۷۵، نظر مخالف: سید محسن حکیم، منهاج الصالحین ۲/ ۱۷۰، خوینی، منهاج الصالحین ۳۰۱/۲ مسأله ۱۴۶۸، سید محمد روحانی، منهاج الصالحین ۳۳۳/۲.
- ۳۱- ر. ک. روزنامه همشهری یکشنبه ۲ مرداد ۱۳۷۹ مصاحبه با سهیلا جلودارزاده، طاهره رضازاده، فاطمه راکعی (نمایندگان مجلس).
- ۳۲- دکتر محمد کمال الدین امام، الزواج و الطلاق فی الفقه الاسلامی، چاپ اول، مؤسسه جامعه، بیروت ۱۹۹۶، ص ۲۵۷.
- ۳۳- دکتر بدران ابوالعینین بدران، الفقه المقارن للأحوال الشخصیه ج ۱، دارالنهضة بیروت، ص ۴۴۰.
- ۳۴- دانای علمی، منیزه، موجبات طلاق در حقوق ایران و ادیان، انتشارات اطلس تهران، ۱۳۷۴.
- ۳۵- جعفر پور جمشید، طلاق به درخواست شوهر، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۰.
- 36 - Bromley P.M. & Lowe Bromleys NV. Family Law. Butterworth; 1992.
- 37 - Thomson JM. Family law in Scotland. Butterworth; 1987.